

وحدت جهان اسلام ضرورت مقابله با جریانات افراطی و تکفیری

«وحدت جهان اسلام ضرورت مقابله با جریانات افراطی و تکفیری»

حجه الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق حمادی

چکیده

بدخواهان و دشمنان اسلام با توطئه افکنی های خود در تلاش برای بر هم زدن معادلات منطقه ای و تضعیف جایگاه کشورهای اسلامی و ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی هستند و امروز با شدت بیشتری این گونه اقدامات را دنبال می کنند و مهمترین راهکار مقابله با جریانات افراطی و تکفیری همانا وحدت در میان امت اسلامی است که به طور مستمر از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز مورد تأکید قرار گرفته و تنها با این رویکرد می توان در مقابل گروه های تروریستی که با جنایات خود بر علیه ملت مظلوم منطقه ، چهره واقعی و رحمانی اسلام را خدشه دار کرده اند مقابله نمود. مسلمانان با بهره گیری از آموزه های دینی و تاریخی اسلام و در پرتو عبودیت و بندگی در برابر تنها خالق هستی و تمسک به وحدت، ایثار و همبستگی، پدیده شوم تکفیر، جهالت و افراط گری را ریشه کن کرده و پیام وحدت بخش و رحمانی دین مبین اسلام که مورد نیاز جهان پرتلاطم امروز است متجلی و جلوه گر کنند. اندیشمندان، علماء و فرهیختگان جهان اسلام نقش مهمی در تبیین و تشریح دقیق و درست تعالیم و آموزه های دینی بر عهده دارند که می تواند در روشنگری امت اسلامی برای مقابله و مبارزه با القائات ، شبهه افکنی ها و

انحرافات موثر واقع گردد و باید در این زمینه برنامه ریزی و اقدامات جدی صورت پذیرد و امیدوارم در نشست های علمی و تخصصی میان صاحب نظران این مهم بیش از گذشته و با استفاده از ابزارهای موثر رسانه ای تحقق یابد.

مقدمه

یکی از نشانه های برجسته پویایی انقلاب اسلامی وقوع تحولات مثبت و منفی منطقه ای و بعضاً فرامنطقه ای مرتبط با آن است. دشمنان اسلام و انقلاب پیوسته از زنده، پویا و بالنده بودن انقلاب اسلامی که حامل پیام های برضد دشمنان بشریت است، احساس خطر می کنند. این احساس خطر از گذشته عامل اصلی توطئه های دنباله دار علیه انقلاب اسلامی بوده که همچنان ادامه دارد. با افزایش توانمندی های نظام اسلامی و قدرت بازیگری آن در تحولات مهم منطقه ای و نیز کوتاه نیامدن در برابر دشمنانش، آنها نیز با احساس تهدید و خطر بیشتر، بر روند دشمنی و توطئه گری خود افزوده اند. در حال حاضر آخرین اقدام دشمنان علیه انقلاب که بسیار خطرناک هم به نظر می رسد خلق و برنامه ریزی حول تفکر «تروریسم تکفیری» است.

تجربه ها محصول آزمون ها و خطاها هستند و پس از تثبیت و به کارگیری در مسائل مشابه و برهه های مختلف و سنجش میزان کارآمدی شان به همراه تغییراتی ارتقا پیدا می کنند و یا به اقتضای وضعیت های مختلف از اساس دگرگون می شوند و سپس با به کارگیری های دوباره تکرار می شوند. عوامل متعددی در ایجاد این تغییرات نقش دارد؛ اما در این میان برای تغییرات کارساز و برجسته ایده ها و دیدگاه های متقاعدکننده و متناسب با وضعیت و برخورد از زمینه های گوناگون، نقش اصلی دارند. بر این اساس توطئه دشمن برای راه اندازی جنگ داخلی در اوائل انقلاب، تجزیه کشور، حمله نظامی از خارج (تجاوز نظامی صدام)، تهاجم فرهنگی، فروپاشی از درون، شورش اجتماعی (فتنه ۸۸) و... معنا و مفهوم خاص و دقیق و دارای پشتوانه راهبردی پیدا می کند. اساس این تفکر بر ترور و اختلاف استوار است و اختلاف بر ترور تقدم دارد. مقوله «اختلاف» در جغرافیای اسلام تقریباً عمری به قدمت زمان بعثت پیامبر اعظم (ص) دارد

و چه بسا وجود چنین پیشینه طولانی با بهانه‌های عدیده برای «اختلاف» دشمنان اسلام را به بهره‌برداری حداکثری از این «اختلاف» سوق داده است تا آنجا که کشورهای مغرب زمین پس از درک خسارات «اختلاف» در آن دیار و کنار گذاشتن تدریجی آن به فکر استفاده از «اختلاف» در جهان اسلام افتادند و از این طریق سلطه خود را در راستای غارت و تاراج ثروت مسلمانان و جلوگیری از یکپارچگی و توانمندی آنها، تحکیم بخشیدند و با ابزار کارآمد «اختلاف» هر ندای وحدت‌بخشی که در جهان اسلام بلند شد با نوعی از اختلاف‌آفرینی خفه کردند و از بین بردند. دشمنان انقلاب اسلامی با آزمودن چندباره روش اختلاف‌آفرینی در ایران و شکست‌های پی‌درپی، آن را تا حدی مسکوت گذاشتند؛ اما با بروز برخی تحولات منطقه‌ای که برای حوزه منافع مشترک صهیونیسم، استکبار و ارتجاع تهدید بود آن را در شکل جدید و خشن فعال کردند. این شکل جدید ترکیبی از ترور و اختلاف است که تفکر تکفیری و هابی برای به اجرا گذاشتن آن از انگیزه و سابقه لازم برخوردار است.

فعال شدن «تروریسم تکفیری» از عهده یک کشور به تنهایی برنمی‌آمد و برای انجام آن نیاز به شراکت مجموعه‌هایی بود که از اجرای آن نفع مشترک می‌بردند. مقابله با انقلاب اسلامی نقطه مشترک صهیونیسم،

استکبار و ارتجاع بود. علت پی‌دیرش رویکرد به «تروریسم تکفیری» برای مقابله با انقلاب اسلامی سه نکته بود: ۱- جواب ندادن روش‌هایی که در گذشته تجربه شده بود. ۲- برخی تحولات مهم در منطقه. ۳- غلبه تفکر تضعیف انقلاب اسلامی با زدن شاخ و برگ‌های بیرونی و حرکت به سمت داخل. این عوامل، مثلث جنایت و وحشت را با حضور رژیم صهیونیستی، آمریکا و وهابیت با محوریت عربستان شکل داد. این مثلث شوم و خبیث با حمایت همه جانبه از فعالیت «تروریسم تکفیری» درصدد دادن پاسخ مقابله‌جویانه به انقلاب اسلامی در چهار محور ذیل برآمد تا از طریق آن انقلاب را با چالش جدی مواجه سازد. الف - شکل‌گیری وحدت اسلامی شاید یکی از علل اصلی استقبال مردم مسلمان از اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و حتی پدیداری آن با سرنگون کردن حکومت طاغوت، ادبیات وحدت‌گرایانه و به دور از هرگونه نگاه اختلافی به فرق مختلف امت اسلام بود. افزون بر پرهیز از هر حرکت اختلاف‌برانگیز، انقلاب اسلامی با داشتن داعیه شکل دادن واقعی به امت اسلامی برای مقابله با دشمنان اسلام، مدام ندای وحدت و یکپارچگی سرمی‌داد و اتحاد اسلامی را از راهبردهای اساسی‌اش اعلام می‌کرد. هر سه ضلع مثلث شیطانی مذکور از این ندا وحشت کردند. رژیم صهیونیستی متوجه شده بود در صورت تحقق چنین وحدتی هیچ امیدی برای ادامه حیات ددمنشانه‌اش وجود ندارد، آمریکا دریافته بود چنین وحدتی طومار سلطه و چپاول غرب را پس از سال‌ها لوله و نابود می‌کند، کشورهای مرتجع عربی نیز یقین داشتند به پایان راه

می‌رسند. ب - تقویت روزافزون جبهه مقاومت جبهه‌گیری نظری و عملی انقلاب اسلامی علیه رژیم صهیونیستی نشان داد که این انقلاب در مقابله با این رژیم پلید بسیار جدی و مصمم است و به هیچ وجه حاضر نیست چنین رژیم جعلی، جانی و غاصب را که با فجیع‌ترین رفتار با مسلمانان، سرزمین آنها را اشغال و غصب کرده، تحمل کند. انقلاب اسلامی اندکی پس از انقلاب برای نشان دادن جدیتش در دشمنی تمام‌عیار با رژیم صهیونیستی به کمک‌های مختلف به سازمان‌های فلسطینی و تقویت روابط با کشورهای مانند سوریه که در مقابله با صهیونیست‌ها ثابت‌قدم و استوار بودند و بعدها کمک به شکل‌گیری مقاومت لبنان با محوریت حزب‌الله و تشکیل جبهه قدرت‌مند مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی که از دستاوردهای آن بر هم زدن معادله قدرت بین رژیم صهیونیستی و جبهه مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه بود، روی آورد. این اقدام، کیان رژیم صهیونیستی را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌داد و آمریکا را تحقیر و منفعل می‌ساخت و با بلندآوازه‌تر کردن نام جبهه مقاومت در جهان اسلام، عربستان پر مدعا را به پایین‌ترین ردیف کشورهای اسلامی مدعی مقابله و مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌کشاند با این تفاوت که در جهان اسلام تنفر از حکومت پادشاهی عربستان افزایش می‌یافت.

ج - بیداری اسلامی وقوع بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا با دو دیدگاه تحلیلی همراه شد: دیدگاه سطحی که بیشتر جنبه تبلیغی داشت و تلاش می‌کرد آن را اتفاقی طبیعی و نتیجه برخی حوادث جلوه دهد و نام «بهار عربی» را بر آن گذاشت که غالب غربی‌ها و بسیاری از رسانه‌ها و مقامات و تحلیل‌گران کشورهای عربی این دیدگاه را داشتند و ترویج می‌کردند و دیگری دیدگاه عمیق و واقعی بود که تلاش می‌کرد، بیداری اسلامی را براساس یکسری مبانی منطقی تحلیل و تبیین کند. این دیدگاه نام این حرکت را «بیداری اسلامی» گذاشت و آن را نتیجه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران دانست. افراد نادری در غرب و در کشورهای عربی و بسیاری در ایران اسلامی با اعتقاد به این دیدگاه از مروجان آن بودند. مناقشه بر سر اسم تنها نزاع بر سر الفاظ نبود، زیرا غلبه هر یک می‌توانست در تأثیرگذاری و ماندگاری آن نقش جدی داشته باشد با نام «بهار عربی» این حرکت ابتر و پایان یافته و در حد یک اتفاق سیاسی روینایی خلاصه و تمام شده تلقی می‌شد در حالی که این حرکت با نام «بیداری اسلامی» حرکتی ریشه‌دار و ادامه‌دار باقی می‌ماند و با تأثیرگذاری بر سایر کشورهای عربی اسلامی به پیش‌می‌رفت و تحولات عمده‌ای ایجاد می‌کرد. در هر صورت ادامه بیداری اسلامی ضربات بسیار سنگینی را بر پیکر اضلاع این مثلث وارد می‌کرد تا جایی که احتمال داشت این ضربات نابودی رژیم صهیونیستی و

تحولات بنیادی در حکومت پادشاهی آل سعود را تسریع و دامنه نفوذ چپاولگرانه آمریکا در منطقه را تا حد زیادی جمع می کرد.

د. متزلزل شدن حکومت های مرتجع عربی انقلاب اسلامی از لحاظ زمانی مصادف با حکومت های در کشورهای عربی بود که حاکمان مرتجع آن خود را مسلمان و تابع احکام اسلام و دشمن رژیم صهیونیستی و حامی ملت مظلوم فلسطین معرفی می کردند که در بین آنها ادعای حکومت آل سعود بیش از دیگران بود. حاکمان این کشورها تا پیش از انقلاب اسلامی با طاهر سازی توانسته بودند میزان وابستگی به دشمنان اسلام، مماشات با رژیم صهیونیستی، کوتاهی در دفاع از ملت فلسطین، خیانت به مردم خود و زیر پا گذاشتن آموزه های قدسی اسلام را پوشیده نگه دارند؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی و ورود صادقانه و شجاعانه و مبتنی بر آموزه های دینی به حوزه هایی که برشمرده شد، مردم این کشورها و مردم سایر کشورهای اسلامی تا حد زیادی متوجه واقعیت ها و خیانت های این مدعیان دروغین شدند و آنها از این طریق احساس خطر کردند. با قیام نماندن پیام ها و ادعاهای انقلاب اسلامی در حد شعار و ورود پرشور به میدان عمل، این سردمداران را که به گذرا بودن سرو صدای انقلاب اسلامی دلخوش کرده بودند، بیشتر نگران کرد پس از تثبیت انقلاب و پس از اینکه آنها به تحکیم و ماندگاری انقلاب پی بردند، کمر به نابودی انقلاب بستند. رژیم صهیونیستی و آمریکا نیز که سرنگونی این امیران و پادشاهان را به ضرر خود می دیدند افزون بر انگیزه های خاص برای دشمنی با ایران با آنها هم داستان شدند.

ه - وحدت بر مبنای توزیع کار مثلث شیطان صهیونیسم، استکبار و ارتجاع به سبب بیداری اسلامی در منطقه در یک تقاطع تاریخی به شکل جبری برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی و شرکای پیرامونی آن بر محور «تروریسم تکفیری» به وحدت نظری و عملی رسیدند و سوریه به عنوان قربانی بزرگ این وحدت انتخاب شد. در توزیع کار انجام شده صهیونیست ها وظیفه داشتند با خویشتن داری و عدم مداخله نظامی جدی باعث تحریک امت اسلامی نشوند و فقط با برخی بهانه ها، اقتضایی عمل کنند. آمریکا وظیفه داشت تا از ابزار تهدید و نفوذ سیاسی برای زمین گیر کردن سوریه استفاده کند. در این میان نقش اصلی به عربستان داده شد تا با استفاده از زمینه های اعتقادی، اختلاف انگیزی و صرف هزینه کلان، «تروریسم تکفیری» را تجهیز و تسلیح شده با پرچم به اهتزاز درآمده تکفیر مسلمانان برای جنگ افروزی و کشتار مسلمانان عازم سوریه کردند. به زعم آنها حذف بشار اسد منجر به حذف حزب الله و تسلیم گروه های مقاومت فلسطینی و مرعوب شدن سایر کشورهای نزدیک به ایران و در نهایت انزوا و تضعیف انقلاب اسلامی و تأمین منافع مشترک اضلاع مثلث شیطان جانی آفرین خواهد شد.

سلفی‌ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه، ابن القیم الجوزیه و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی می‌گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی‌های این کشور با اقدامات و فعالیت‌های حسن البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه‌های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب‌های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه‌های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زود هنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت، به نام‌های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پایبندی به متون دینی بر اساس دیدگاه‌های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند.

سید قطب که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که اهل کتاب تا زمانی که جزیه پرداخت می‌کنند می‌توانند در سرزمین‌های اسلامی با آرامش زندگی کنند در غیر این صورت مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سویی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ‌های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت.

2.1. رشد جریان تکفیری

در نهایت سلفیه با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی‌ها به رهبری بن‌لادن عربستانی و طواغری مصری بیش از پیش توجه به گرایش‌های مبارزاتی را مورد توجه خود قرار داد. بی‌تردید حادثه 11 سپتامبر نقطه عطف در تاریخ تحولات معاصر است. جریان اسلام سلفی که بعد از عربستان سعودی در قالب جنگجویان طالبانی ظاهر شده بود منافع بسیاری از کشورهای منطقه را به خطر انداخت.

قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوي و برداشت هاي ظاهري از آیات قرآن، طالبان را بر آن داشت که حتي براي مخالفان فکري و سياسي خود نیز تعيين تکليف کنند و رسالتي فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگیرند. اين جريان فکري خود را در محدوده جغرافيايي افغانستان محدود نکرد بلکه براي خود مسئوليت اشاعه تعاليم اسلام مبتني بر قرائت سلفي به ساير کشورهاي منطقه را در نظر گرفته بود. اين گروه ضمن اختلاف نظر با ساير گروه هاي سني، سرسختانه نسبت به شيعیان کينه مي ورزید و به همین خاطر به مراتب سياسي خشن در قبال آنان به کار برد. حوادث 11 سپتامبر باعث ارتقاي جایگاه راهبردي گروه هاي نظامي و شبه نظامي و محوريت قرار گرفتن تفکر القاعده شد. چنین پديده اي از زمان پیدایش، عمدتا از سوي تفکر استراتژیک کاخ سفید مورد حمایت قرار گرفت اما بعدها با توجه به اصطکاک منافع آنان در منطقه، نزاعي عميق میان آنان درگرفت و در نهایت باعث تهاجم نظامي آمریکا به افغانستان شد.

علاوه بر افغانستان، يکي ديگر از مراکز رشد سلفي گري، لبنان است. جريان سلفي شام در دمشق توسط ناصرالدين اللباني ظهور کرد. تفکر سلفي در اواخر دهه 50 توسط تعدادي از طلاب مراکز ديني عربستان به لبنان راه يافت. مهم ترین اين افراد شيخ سالم الشهاب و شيخ عبدالرزاق الزغيبي بودند. اين دو نفر طرابلس را به مرکز گسترش و ترويج تفکر سلفي در تمام مناطق لبنان تبديل کردند. فعاليت سلفي ها در لبنان از طرابلس شروع شد. از سال 1977 سلفيه به نحو چشمگيري توسط افراي که محورشان شيخ سالم الشهاب بود، فعال شد. در سال 1981 به صورت تشکيلات منظم و سازمان يافته، فعاليت خود را شروع و جمعيت نواه الجيش اسلامي را بنیان گذاري کردند. اين تشکيلات در کنار ساير تشکيلات و نيروهاي اسلامي سني که عرصه را تحت سيطره خود داشتند از جمله جنبش توحيد اسلامي يا جماعت اسلامي حضور کم رنگي داشتند. با فروپاشي جنبش توحيد اسلامي بعد از حوادث طرابلس در سال 1985 سلفي ها امکان توسعه و گسترش بيشتري يافتند و توانستند ويژگي هاي عقيدتي خود را به عنوان يک جماعت مستقل ابراز کنند. حضور آنان به طور متمرکز و قوي در طرابلس و برخي مناطق شمال از جمله عکار و الضنيه به چشم مي خورد. در کل، مناطق شمال به علت استقرار اکثر شخصيت ها و موسسات سلفي لبناني براي سلفي ها اهميت خاص دارد. همچنين حوادث سال هاي اخير که در اين مناطق بين دولت و سلفي ها روي داده است مانند حوادث طنبيه، انفجار کليساه ها و حمله به منافع غربي ها و غيره و به تبع آن تحولات و اقدامات امنيتي دستگاه هاي دولتي، شمال را به پا يگاه و مرکز تجمع سلفي ها تبديل کرده است.

در اواسط دهه 90 جنبش سلفيه دستخوش بحران ها و حوادث تعيين کننده اي شد که به تضعيف فعاليت آن انجاميد. زيرا دستگاه امنيتي لبنان به علت بمب گذاري ها و جنايات و ترورهاي که پيروان اين جنبش مرتکب مي شدند آنها را تحت فشار قرار داد. پس از وقوع حوادث 11 سپتامبر در سال 2001 فشارهاي امنيتي بر گروه هاي سلفي تشديد شد. با بررسي پراکندگي جمعيت ها، مدارس و مراکز آموزشي و ديني

سلفیه و نیز ساخت مساجدی در روستاهای فقیر و استفاده از این مساجد برای تبلیغ مذهب سلفیه می‌توان به روند گسترش چشمگیر سلفی‌ها در شمال لبنان پی برد. حجم رشد و گسترش سلفیه را در این مناطق می‌توان با انجام مقایسه‌های ساده دریافت. برای مثال از مجموع هفتاد مسجد در شهر طرابلس، 16 مسجد متعلق به سلفی‌ها است در حالی که دارالافتاء با وجود انبوه امامان تابع خود فقط 13 مسجد و جنبش توحید و جماعت هر یک فقط 7 مسجد را در اختیار دارند. در عکار حدود 210 مسجد وجود دارد که در روستاها و شهرهای کوچک پراکنده اند. از این تعداد 27 مسجد متعلق به وهابیه‌ها است که در آن به انجام وظایف نماز جماعت و تدریس می‌پردازند.

جریان مشکوک فتح الاسلام در لبنان و تحریکات نظامی این گروه در اردوگاه نهر البارد نیز ناشی از تلاش‌های جریان‌های افراطی اهل سنت برای تاثیرگذاری در تحولات منطقه به خصوص لبنان بود. گزارش‌ها حاکی از آن بود رهبری این جریان به عهده فردی بنام "ابو خالد العلمه" بود که سابقه عملیات تروریستی در عراق و همکاری با "ایمن الظواہری و زرقاوی" را داشت. وی بواسطه برخی اقدامات خرابکارانه علیه شیعیان تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی نیز در سوریه زندانی شد.

وی بعد از آزادی از زندان با همکاری یک اردنی فلسطینی تبار بنام شاکر العیسی اقدام به تاسیس گروه فتح اسلام کرد. العیسی که در سال 1970 وارد سازمان فلسطینی فتح شده بود اما بعدها جزو گروه‌های شورشی علیه عرفات درآمد و در سال 1990 به القاعده پیوست. وی در سوریه تحت تعقیب بود و در مدت سه سال در زندان به سر برد. العیسی بعد از آزادی از زندان با زرقاوی ملاقات داشت و در نهایت بعد از توافق با العلمه گروهی با نام فتح الاسلام شکل گرفت. این گروه وارد خاک لبنان شد و اقدامات تروریستی متعددی را در این کشور مانند انفجار مینی بوس حامل مسافران، برهم زدن اعتصابات ضد سینوره و اختلاف بین شیعه و سنی انجام داد. پرونده گروه فتح الاسلام در نهایت با دخالت دولت سینیوره و خویشتن داری حزب الله لبنان بسته شد اما کارشناسان و صاحبان نظر سیاسی این تلاش‌ها را در راستای کاهش اقتدار حزب الله ارزیابی کردند. براساس نظر تحلیل گران، آنچه در لبنان روی داد بخشی از سناریوی ناتمام آمریکایی- اسرائیلی بود که در سیاست آزمون و خطا از زمان جنگ سی و سه روزه در سال گذشته با قوت بیشتر در حال تجربه شدن بود.

از دیگر نقاطی که، جریان تکفیری ها به صورت فعال در حوادث سیاسی نقش آفرینی می کنند سرزمین اشغال شده عراق است. در حال حاضر یک دولت شیعی در این کشور در راس امور اجرایی عراق قرار دارد اما حضور عناصر شیعی منافع برخی از سران منطقه، بعثی ها و گروه های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است. با توجه به وجود خاطره هشت سال دفاع ایران از مرزهای خود و حمایت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسین در جنگ تحمیلی، تصویری از دیکتاتور بعثی به عنوان سرداری مدافع عربیت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم های شیعی مسلک در باور سنیان عراق و سایر کشورهای منطقه چنان نفوذ کرده بود که تصور می کردند حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. گذشته از این، چون حوادث پیش آمده باعث تضعیف حزب بعث شده بود برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. از این پس، روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. گرچه وقوع جنگ مذهبی در خاورمیانه تازگی ندارد اما افزایش چنین نزاع هایی در پاکستان و عراق به یک نگرانی عمده تبدیل شده است و متأسفانه نشست های مشترک شیعه و سنی که آخرین آن کنفرانس مکه در مهره ماه 85 بود نتیجه ای قابل ملاحظه دربر نداشته است.

یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی و هابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. جالب اینجاست که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ماه 1385 سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در بیانیه ای ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغالگران نیز سربازان صلیبی هستند.

یکی از بهانه های مهم علمای اهل سنت برای بکارگیری حربه تکفیر علیه شیعیان بحث غلو در مورد ائمه اطهار است. توهین به صحابه و همسران پیامبر، عدم دخالت اهل سنت در مناصب سیاسی، ممانعت از احداث و تأسیس مسجد در برخی از مراکز شهری مدعیات سنیان در مورد حکومت شیعی ایران است. غربی ها نیز این اختلافات را از نظر دور نگه نداشته و ضمن ایجاد شرایط برای اختلاف انگیزی میان شیعه و سنی ترس موهم از اسلام را نیز مطرح کردند.

سازمان ها و جنبش هاي متعددي كه حول محور القاعده در عراق فعاليت مي كنند، عبارتند از:

1 - سازمان قاعده الجهاد في بلاد الرافدين

اين سازمان خطرناك ترين گروه تروريستي عراق است كه اساس فعاليت هاي آن شامل بمب گذاري خودروها، ترور و آدم ربائي، كشتن بي گناهان، سربريدن و مثله كردن اجساد است. اين سازمان ارتباط مستحكي با سازمان هاي نظامي بعثي مثل "ارتش اسلامي عراق - گردان هاي ثوره العشرين" دارد و با سازمان هاي تروريستي جهاني هم ارتباطات مستحكي دارد.

حوزه فعاليت اين سازمان مناطقي چون انبار، موصل، تكريت، ديالي و حومه هاي جنوبي و شمالي و غربي بغداد است. ساختار نظامي آن را غيرنظاميان افراطي داخلي و خارجي تشكيل مي دهد و از بدو تاسيس رهبري آن به عهده ابومصعب زرقاوي بود.

2- ارتش انصار السنه

اين جمع از سني هاي افراطي تشكيل شده و اعضاي آن را سني هاي افراطي عراقي و غيرعراقي و برخي از عناصر رژيم سابق تشكيل مي دهند. حوزه فعاليت اين گروه مركز و شمال عراق است و از هم پيمانان سازمان "قاعده الجهاد في البلاد الرافدين" است. محمد الجحيشي از رهبران برجسته اين گروه به حساب مي آيد.

3- ارتش اسلامي عراق

اين گروه از اسلام گرايان افراطي و عناصري از رژيم سابق تشكيل شده است. حوزه فعاليت اين گروه مركز عراق است ضمن اينكه در موصل و بصره هم هسته هايي دارد.

4- حزب التحرير

هدف اعضاي اين گروه ايجاد حكومتي خلافتي در عراق و بيرون راندن كفار از عراق است. اين گروه با سازمان "قاعده الجهاد في بلاد الرافدين" در ارتباط است و حوزه فعاليت آن ديالي و برخي از بخش هاي بغداد است.

این گروه در اواخر ژوئیه 2005 ظهور کرد. پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسی کاظم در تاریخ 13 آگوست 2005 از سوی این گروه بر عهده گرفته شد و اولین بیانیه آن در تاریخ 26 ژولای 2005 از طریق اینترنت منتشر شد و در آن ادعا شد که این گروه پس از سقوط رژیم صدام تاسیس شده است. فرمانده آن گروه "ابوعمر انصاری" است و ابوسامه نیز سخنگوی این گروه است. حوزه فعالیت این گروه در مناطق الطارمیة المشاهده، التاجی، الطیفیه، و عویریح است.

6-گروه یاران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)

این گروه در ژوئن 2005 ظهور کرد و بیانیه تاسیس آن در تاریخ 13 ژوئن 2005 صادر شد و حوزه فعالیت آن گروه مرکز و جنوب عراق (بصره) است و در منطقه الدوره، بغداد و ابورشید هم فعالیت هایی دارد. این گروه انفجار کمر بند انفجاری در مسجد شیعیان در جاده بغداد به بصره را که به کشته شدن 46 غیرنظامی منجر شد و همچنین ربودن و قتل رئیس اتحاد الکراتیه در بابل را که یک شیعه بود، بر عهده گرفت. علاوه بر این تعدادی از اعضای کادر سازمان بدر (سپاه پدر) در منطقه الطلیعه در مسیر بغداد به حله را به قتل رساند. گروه یاران اهل سنت قتل بیست نفر را که از منطقه الدوره در بغداد ربوده شده بودند و جسد آنان در تاریخ 2 آگوست 2005 در منطقه المعالف در جنوب بغداد پیدا شد بر عهده گرفت.

7-سپاه عمر

سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" در تاریخ 5 ژولای 2005 تشکیل این گروه را اعلام کرد و مدعی شد قتل اعضای کادر سازمان بدر توسط آن انجام شده است. رهبر این سازمان جمال التکریتی است که "ابواسلام" نامیده می شود، او از عشیره البوناصر در تکریت و یکی از همکاران زرقاوی است این گروه تا تاریخ 29 آگوست 2005 انجام 200 عملیات ترور و ترور تعداد زیادی از اعضای جنبش های اسلامی و ملی از جمله منشی دفتر عادل عبدالمهدی و مدیر دفتر احمد چلبی را بر عهده گرفته است. انفجار ساختمان موسسه شهید محراب در تلعفر در تاریخ 23 ژولای 2005 نیز از سوی این گروه بر عهده گرفته شد.

8-گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک

گروه گردان براء بن مالک مسئولیت 11 عملیات در فاصله زمانی 9 ژوئن 2006 تا 29 ژوئن 2006 و ?? عملیات

در فاصله زمانی 20 تا 17 ژوئیه 2006 از جمله یک خودروی بمبگذاری شده و انفجار یک کمربند انفجاری را بر عهده گرفت.

9- جیش محمد (الحق)

شامل مجموعه ای از تکفیری ها و بعثی ها و طرفدار تبعیض نژادی بر اساس انتساب های عشیره ای است. این گروه برای بازگرداندن حزب بعث اقدام می کند و شعار آن "حکومت برای اعراب سنی عراق است" بوده است.

10- گروه ابوايمن

حوزه فعالیت این گروه در موصل و فلوجه است. این گروه در فعالیت های خود به تجربه تکفیری هایی متکی است که در گذشته عضو ارتش عراق بودند و دوره هایی را در مدائن واقع در بغداد برگزار می کنند.

11- گردان زبیر بن عوام

حوزه فعالیت این گروه مناطق ابوغریب، الرضوائیه، خان ضاری و الزیدان است و رهبر آن ابوزبیده البابی است. این گروه در تاریخ 26 سپتامبر 2005 بیعت خود را با سازمان قاعده الجاد فی بلاد الرافدین اعلام کرد ولی در گذشته به گردان های ثوره العشرین وابسته بود. شیوه کاری آن به کارگیری خودروهای بمبگذاری شده، بمبگذاری و پرتاب موشک است.

12- گردان حسن بصری

این گروه در تاریخ 31 سپتامبر 2005 بیعت خود را با القاعده در عراق اعلام کرد و حوزه فعالیت آن در ابوالخطیب، الامتیه و الزبیر است. گروه یاد شده در بصره عملیات های تروریستی را بر ضد نیروهای نظامی انگلیسی و عراقی و غیرنظامیان شیعه انجام داده است و شیوه کاری آن بمب گذاری، خودروهای بمب گذاری شده، عملیات انتحاری و ترور است. گردان حسن بصری برای اولین مرتبه بین آگوست و سپتامبر

2004 ظهور کرد و اعضای آن از عشیره غائم بصره هستند که رویکردی تروریستی دارد. رهبر این گروه ابو حذیفه عراقی است و بین سپتامبر 2004 تا مارس 2005 این گروه مسئولیت 24 حمله از جمله 16 مورد بمبگذاری و عملیات های ترور متعددی را در بصره بر عهده گرفت.

3 - محور راهبردها و راهکارها برای مقابله با تکفیری

اعمال تکفیری ها باعث تخریب چهره جهان اسلام در دنیا است. اگر تکفیریها نسبت به شیعه عنادی هم نمی داشتند ما وظیفه داریم نسبت به انحراف آن ها و رفتارهای آنها عکس العمل نشان دهیم، هرچند که باید با ارائه تفاسیر غلط آنها از اعتقادات و اعمال شیعه در جهان مقابله شود.

ما باید برای این مسائل چاره ای بیاندیشیم چرا که این یک مسئله زودگذر و یک جغرافیای محدود نیست و اسرائیل و آمریکا با پذیرفتن ریسک و خطر مدیریت آنها بسیار محکم از تکفیریها پشتیبانی می کند.

به حاشیه رفتن مسئله فلسطین، به حاشیه بردن بیداری اسلامی، نزول محبوبیت چهره های شاخص جهان اسلام از جمله حسن نصرالله و به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی و ایجاد تقابل میان ما با اعراب توطئه هایی هستند که نتیجه اتحاد عربستان با اسرائیل است و قصد دارند با جبهه بندی های انحرافی جبهه اصلی شکل گرفته را تغییر دهند.

مسئله داعش و تکفیری ها یک مسئله ساده نیست چرا که بعد اعتقادی این مسئله ریشه در عربستان و عمق سیاسی آن ریشه در سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل دارد.

حوزه های علمیه باید با این مسئله جدی تر درگیر شوند و این موضوع باید یکی از دغدغه های دینی و مسائل مبتلابه، علمای ما در حوزه های علمیه شود هرچند تحرکاتی نظیر برگزاری برخی همایش ها و گردآوری برخی کتب پیرامون این موضوع شکل گرفته است اما کافی نیست.

: همه علمای شیعه و اهل سنت باید نسبت به پدیده های وهابیت و تکفیری ها درگیر شوند چرا که

پتانسیل خوبی در دل علمای اهل سنت برای مقابله با چنین مسائلی موجود است.

فتنه بزرگی در جهان اسلام در حال شکل گیری است که بخش اعتقادی آن باید موضوع مبتلابه حوزه های علمیه شود تا بتوانیم با مدد یکدیگر ریشه های این فتنه را چه در ایران، چه در سوریه و چه در عراق با تمام مقاومت و حمایت دشمن در صحنه های نظامی و دیپلماسی، بخشکانیم.

این مسئله از 25 سال قبل از یک نطفه کوچک به این جا رسیده و امروز دشمن در حال تلاش برای تغییر جهت حرکت تکفیری ها از سمت اروپا به سوی ایران و افغانستان است لذا این موضوع نیازمند یک علاج اساسی است (دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام)

3.1. باید با آینده پژوهی به حل مسأله تکفیر توجه کنیم

در مسأله تکفیر به دو محور راهبردها و راهکارها باید توجه کنیم و با زمینه سازی برای پاسخ گویی به مسائل تکفیر برای مقابله با جریان تکفیر به سیاست های کلان توجه بیشتری داشته باشیم.

ایجاد دفتر مطالعات راهبردی و تحلیل محیطی ماهیت تکفیر ضروری است و برای تبیین ماهیت، جنایت ها و وضعیت گروه های تکفیری باید به راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی توجه کنیم.

3.2. مفهوم شناسی در پدیده های امروزی تکفیر ضرورت دارد

با تحلیل محیطی و تعریف کلان پروژه ها و محتوای علمی، پدیده های امروزی تکفیر را بشناسیم و با نشست های کوچک اما تأثیرگذار نخبگان علمی جهان اسلام به واکاوی این پدیده شوم بپردازیم.

باید شکاف های مذهبی، خلل ها و بایسته های تقریب ارزیابی شود و فعالیت های تقریبی خودمان را در

دوره‌های گذشته نیز آسیب شناسی کنیم.

با بررسی آثار آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله قمی، شیخ عبده، شلتوت، سید جمال اسد آبادی و کسانی که در این راستا گام‌هایی برداشته‌اند قدم‌های جدیدی برداشته شده و پارامترهای برون رفت از وضعیت کنونی را تعریف کنیم.

3.3. پروژه غیریت سازی سلفی‌ها در مقابل شیعیان

با توجه به پروژه غیریت سازی سلفی‌ها در مقابل شیعیان باید نگاه منفی به شیعه را از میان برداریم و با معرفی شیعه معتدل، جاذبه ایجاد کنیم چنان که امام رضا (ع) فرمودند «اگر مردم از محاسن کلام ما آگاه شوند از ما تبعیت خواهند کرد».

3.4. کرسی‌های شیعه شناسی از شرایط و وظایف حوزه علمیه است

با توجه به اقبالی که در جهان نسبت به اسلام ایجاد شده است تشنگی برای شنیدن معارف اسلام و شیعه به وجود آمده است که حوزه علمیه باید از این فرصت استفاده کند.

رشته‌های و واحدهای تخصصی باید در حوزه علمیه، دانشگاه و خارج از کشور ایجاد شود و رحمت و رأفت اسلام به جهان شناسانده شود.

با توجه به رشد و گسترش اسلام در غرب این پروژه اسلام هراسی از سوی دشمنان اسلام پیگیری شد تا با سیاه نمایی اسلام، قرائت تکفیری به عنوان اسلام حقیقی مطرح شود چنان که اسپوزیتو ترس از رشد اسلام را این گونه معرفی می‌کند «در کنار هر کلیسا در غرب، مسجدی ساخته شده است و شهرهای غربی به شهرهای اسلامی تبدیل شده‌اند».

گروه‌های تکفیری با استفاده از رسانه، سیاست وحشت را پیگیری می‌کردند که در ابتدا موفق بودند اما

با این اقدامات ماهیت خودشان را آشکار کردند و در دراز مدت مورد تنفر مسلمانان واقع شدند.

3.5. در رسانه بر جنبه‌های اثباتی بیشتر تأکید داشته باشیم

ما در رسانه باید اهداف غایی را در نظر بگیریم و در پازل دشمن قرار نگیریم چنان با انداختن شبهه‌ای دنبال این رسانه‌ها حرکت کنیم بلکه رسانه تراز اسلامی باید مسائل را تبیین کند و با توجه به نیاز جوامع امروز به معارف، روشنگری داشته باشد.

در رسانه باید بر جنبه‌های اثباتی بیشتر تأکید داشته باشیم و به جریاناتی که به دنبال موج هستند توجه نکنیم بلکه به صورت غیر مستقیم، مسائل را تبیین کرده و به جای نفی کردن، ایجایی عمل کنیم که دامن زدن به شکاف‌ها و طرد کردن‌ها موجب شکاف در میان مسلمانان خواهد شد. (حجت الاسلام والمسلمین علیزاده موسوی، دبیر کنگره جریان‌های تکفیری)

3.6. سایر راههای مقابله با تروریسم تکفیری

تروریسم تکفیری یک طرح خطرناک نه فقط برای مسلمانان که برای همه انسان‌ها است. تروریسم تکفیری فقط خطری برای مقاومت و یا واکنشی در مقابل آن نیست بلکه همه لبنان و کشورهای عربی و اسلامی و کشورهای جهان را تهدید می‌کند و خطری برای اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. تروریست‌های تکفیری، شیاطین و حیواناتی وحشی در لباس مسلمانان هستند که به خود رحم نمی‌کنند پس چگونه می‌توانند به دیگران رحم کنند. امروز در جهان ملاحظه می‌کنیم، همه کسانی که بهائی‌سنگین در مقابل تروریسم تکفیری می‌پردازند، همان کسانی هستند که تروریسم تکفیری را ایجاد و از آن حمایت کرده‌اند و اکنون علیه خود آنها اقدام می‌کند. تبیین آموزه‌های اساسی اسلام حقیقی از سوی مراجع و نهادهای شناخته شده دینی و نشر آن را اولین راهکار و کوتاه کردن دست نااهلان از تسلط بر مراکز دینی، مساجد و منابر را دومین راهکار مقابله با اندیشه افراط‌گرایی و تروریست‌های تکفیری معرفی کرد. نخبگان جهان اسلام باید در این زمینه به چاره اندیشی بپردازند. در این تحقیق چالش‌ها و راهکارهای برون رفت از پدیده تکفیر و جریان‌های خطرناک همسو با آن را، مورد بررسی قرار دادیم. چالش‌های جریان‌های تکفیری از منظر رهبری در سه حوزه قابل بررسی است: یک در سطح باورها و اعتقادات: جریان‌های تکفیری، از توحید و شرک و سایر مفاهیم دینی، درک ناقص و بدعت‌آمیز و غیر عقلانی دارند. دو چالش اخلاقی: مهمترین خصوصیت جریان‌های تکفیری، «جهالت» و بی‌خبری و نوعی خباثت درونی است که منجر به دوری از حقیقت و بی‌تقوایی و سقوط در ورطه رذیلت و تباهی

شده است. سه چالش‌های رفتاری؛ مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری، ستیزه جویی، خشونت، فساد انگیزی، ترور و جنایت و خونریزی، ایجاد کننده تفرقه میان مسلمانان، نابود کننده تمدن و فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی، تقویت کننده دشمنان اسلام را، می‌توان نام برد. در عرصه راهکارهای فکری - فرهنگی برای مقابله با جریان‌های تکفیری، امت اسلامی باید به تقویت تقریب مذاهب اسلامی، گفتگو و تفاهم بر سر مشترکات، پرهیز از اختلاف افکنی و نمودهای تشدید آن، بازگشت به قرآن و فهم دقیق رویکردهای قرآنی در جلوگیری از تفرقه و اتحاد دنیای اسلام را، در دستورکار و عمل خود قرار دهد. در عرصه راهکارهای سیاسی - اجتماعی جهان اسلام باید همگرایی و وحدت میان مسلمین، آگاه سازی نخبگانی، لزوم شناخت و طرد دشمن را جزء کارویژه‌های اساسی و محوری خود قرار دهد. با بکار بستن راهکارهای همگرایی نه در جهان اسلام ریشه جریان‌های تکفیری خشکانده می‌شود

هوشیاری نسبت به عملکرد دستگاههای جاسوسی که در برخی از کشورهای اسلامی در پوشش تاسیس مدارس دینی افرادی را بر اساس تعالیم انحرافی و اندیشه های افراط گرایانه به نام رجل دینی تربیت می کنند، به عنوان راهکار سوم مقابله با تروریسم تکفیری است جریانهای تروریستی در جهان اسلام به وسیله بعضی از دولتها و دستگاهها حمایت مالی، معنوی و سیاسی می شوند دولتها و رهبران صلح خواه جهان باید جلوی حمایت از این جریانها را بگیرند و تلاش کنند که منابع مالی آنها خشکانده شود.

دولتهایی که در مبارزه با این پدیده جدی هستند و نه آنهایی که برخلاف مخالفت ظاهری در خفا از آنها پشتیبانی می کنند، گردهم آیند و برای مبارزه با تروریست های تکفیری جبهه ای متحد تشکیل دهند. پراکندگی جهان اسلام و تفرقه بین کشورها و ملتها زمینه ساز شکل گیری تروریسم تکفیری است و امروزه برای مقابله با این جریان باید به یکی از ضروریات مورد تاکید قرآن و رسول اکرم (ص) بازگشت که «وحدت و یکپارچگی مسلمانان» است. به کرات مشاهده شده رسانه‌های محدود جبهه مقاومت بارها توانسته‌اند با روشنگری و افشای ماهیت و رفتار پلید تکفیری‌ها به تنفر عمومی علیه آنها دامن بزنند تا آنجا که حتی برخی از مراکز جهانی هم در این باره مجبور به همراهی و محکوم کردن تکفیری‌ها شدند که این مسئله هر چه بیشتر و در ابعاد دیگر باید دنبال شود. همچنین جلوگیری از گسترش اندیشه وهابی است که مردم را با روشی انحرافی و اشتباه تربیت می کند و جلوگیری از کمک های مالی و حمایت های سیاسی و نظامی منطقه ای و جهانی از آن است. (شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب ا.ا) آشکار شدن ماهیت و برنامه‌های احتمالی آینده تکفیری‌ها و کم‌وبیش آشکار شدن تهدید جدی آنها در آینده برای کشورهای منطقه و جامعه جهانی در بین حامیان آنها به غیر از عربستان شک و تردیدهای جدی رخوت‌آوری ایجاد کرده که فرصت بزرگی برای زدن ضربات نظامی به آنها است. تسلط نسبی ارتش سوریه در مناطق درگیری و دست برتر آنها نشانه مثبتی برای امید به پیروزی نظامی است که باید

بر دامنه آن افزود و کشورهای حامی سوریه به ویژه کشورهای مسلمانانی که «تروریسم تکفیری» برای آنها خطر امروز و فردا است باید برخورد جدی‌تری با این موضوع داشته باشند و سوریه را یاری کنند. چنانچه از راه‌های مقابله به خوبی استفاده شود و حرکت «تروریسم تکفیری» شکست بخورد، با فراهم شدن زمینه ادامه حرکت بیداری اسلامی به سوی کشورهای مرتجع، سرنگونی و یا تحولات بنیادی قدرت در برخی از آنها قطعی خواهد بود. چنین پیامد بسیار مبارکی اهمیت توجه به راهکارهای پیش‌برنده را دو چندان می‌کند.

4. بحث و نتیجه گیری

ما در شرایطی به سر می‌بریم که متأسفانه جریان‌های افراطی با استفاده از تفرقه جهان اسلام و چنگا نگی و پراکندگی دولت‌های اسلامی سعی در ایجاد تنش در جهان اسلام، متلاشی کردن ملت‌های اسلامی و ایجاد جنگ داخلی دارند. برای اینکه دشمن خارجی جهان اسلام بتواند به سادگی بر جهان اسلام تسلط پیدا کند، اقتدار جهان اسلام را از بین ببرد، ثروت‌های جهان اسلام را غارت کند و همچنین مسلمین را در عقب ماندگی نگه دارد بهترین روش برای رسیدن به این اهداف، ایجاد تفرقه در جهان اسلام با ایجاد جنگ‌های داخلی است. دشمنان برای اینکه این جنگ داخلی و تفرقه را به وجود بیاورند از جریان‌های افراطی استفاده می‌کنند جریان‌هایی که سایر مسلمین را تکفیر می‌کنند و ریختن خون و اموال مسلمانان را حلال می‌دانند و با حلال کردن خون مسلمانان نسبت اقدام به ایجاد جنگ در کشورهای اسلامی می‌کنند. این اقدامات ضد بشری که بوسیله گروهک‌های تکفیری نظیر داعش به وجود می‌آید باعث اختلاق در جهان اسلام و از بین رفتن اقتدار جهان اسلام می‌شود که بزرگترین خطری است که امروز ملت‌های مسلمان و جهان اسلام را تهدید می‌کند. در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده‌های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده‌اند، شده است و برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان‌های افراطی مناسب دیده‌اند. باید توجه داشت یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی که می‌تواند در مواجهه با چنین برداشت‌های نادرستی از اسلام و سنت به کار آید استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌های سازمان‌های تقریبی است. البته باید در نظر داشت که بروز برخی از تحریکات غلوآمیز برخی از شیعیان در ایجاد حس نفرت و بدبینی میان اهل سنت نیز در شدت بخشیدن به این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. متحد شدن دولت‌ها و قدرت‌های اسلامی در راستای مبارزه با افراطی‌گری و تروریسم اولین و مؤثرترین گامی است که باید برداشته شود باید سیاست‌ها و برنامه‌ها واحد باشد. ما از تفرقه و هر اقدامی که موجب پراکندگی جهان اسلام می‌شود جلوگیری کنیم مذاهب مختلف

اسلامی هم توحید و هم نبوت رسول اکرم (ص) و هم قرآن را قبول دارند همه نماز می خوانند و قبله واحد دارند بنابراین اینها باید یکدست و متحد شوند. همچنین یک هماهنگی بین المللی برای فشار بر دولت ها و قدرت هایی که از این جریان ها حمایت می کنند به وجود بیاید، بی شک جریانی مثل داعش و جبهه النصرة و جریان های افراطی گری دیگری که در منطقه ما وجود دارند اینها بدون حمایت ققدرت های بزرگ و برخی قدرت های منطقه ای نمی توانند رشد کنند باید حمایت های سیاسی، مالی و تسلیحاتی از اینها برداشته شود و این نکته نیز مستلزم یک هماهنگی بین المللی است. کشور ها باید یک جبهه واحدی برای مقابله با تروریسم تشکیل دهند زیرا تروریسم همه را تهدید خواهد کرد. امروز روشن شده که تروریسم و افراطی گری تروریستی مرز نمی شناسد و اگر این فاجعه و غده سرطانی انتشار بیشتری پیدا کند همه را تهدید خواهد کرد و حتی اروپا و آمریکا را نیز تهدید خواهد کرد.

5. منابع

1. ابوذر ابرا هیمی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی www.tasnimnews.com.

2. شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب الله لبنان www.yjc.ir.

3. آیت الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی «اسلام علیه افراط گرایی دینی و تروریسم» com.taghribnews.m.

4. حجت الاسلام والمسلمین علیزاده موسوی، دبیر کنگره جریان های تکفیری com.hawzahnews.

5. دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام www.Tasnimnews.com.